

جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران

دکتر غلامرضا بهروزک

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان طرح نامه: اسلام سیاسی، جهانی شدن و هویت سیاسی در ایران

پژوهشکده: نظام های اسلامی، گروه علمی: سیاست،

محقق: دکتر غلامرضا بهروزک

ارزیابان علمی: آقایان دکتر محسن مهاجرنیا و دکتر احمد جهان بزرگی

موضوع اصلی: (اسلام سیاسی) میراث سیاسی امام خمینی (ره)

موضوع فرعی: قرائت اصولگرایان و اصلاح طلبان از میراث سیاسی امام

مدت انجام تحقیق: دو سال



جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران

دکتر غلامرضا بهروزلک

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

طراح جلد: بهزین صیفوری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات

چاپ اول: ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۵۲-۹۸-۶

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

سرشناسه: بهروزلک، غلامرضا، ۱۳۴۷-

عنوان و پدیدآور: جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران / غلامرضا بهروزلک.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۵۱۹ ص. قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۵۲-۹۸-۶

وضعیت فهرست نویسی: فنیاً

یادداشت: نمایه

یادداشت: کتابنامه، ص، [۵۰۳]-۵۱۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: اسلام و سیاست - ایران.

موضوع: جهانی شدن - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

موضوع: اسلام و اجتماع. موضوع: ایران - سیاست و حکومت، ۱۳۵۸.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

رده بندی کنگره: ۹۷۹ ب / ۳۳۱ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/ ۹۸۲

شماره کتابخانه ملی: ۹۰۳۱۳۱۷

فهرست

پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۱۷
بیان موضوع.....	۱۷
پیشینه تحقیق.....	۲۱
سؤالات پژوهش.....	۲۳
مفاهیم پژوهش.....	۲۵
دامنه و قلمرو تحقیق.....	۲۶
چارچوب نظری و الگوی تحلیل.....	۲۷
فصل اول: تحلیل گفتمان و اسلام سیاسی در ایران.....	۲۹
مقدمه.....	۲۹
۱. اسلام سیاسی و مسئله تبیین.....	۳۱
۱-۱. مفهوم شناسی اسلام سیاسی.....	۳۱
۱-۲. گونه‌شناسی و پیشینه مطالعات اسلام سیاسی.....	۴۰

- ۱-۳. رهیافت‌های مطالعاتی فکری - اندیشگی اسلام سیاسی ۵۷
۲. الگوی تحلیل گفتمانی اسلام سیاسی در ایران ۵۸
- ۲-۱. اسلام سیاسی و الگوی تحلیل گفتمانی ۶۲
- ۲-۲. تحلیل گفتمانی و ظرفیت ساختار فکری ۷۲
- اسلام‌گرایی در ایران ۷۶
- الف) تفکر سیاسی شیعی و فرایند تحول و دگرگونی در آن ۷۹
- ب) کاربرد تحلیل گفتمانی در مباحث اسلام‌گرایی در ایران ۸۴
- ۱- ب) ابعاد ایستا و تعیین یافته گفتمان ۸۴
- ۲- ب) ابعاد متحول و پویای گفتمان ۸۷
۳. اسلام سیاسی و جهانی شدن: تحلیل گفتمانی ۸۹
- ۳-۱. بررسی تلقی‌های گفتمانی از جهانی شدن ۸۹
- الف) تلقی جهانی شدن به مثابه یک گفتمان واحد ۹۵
- ۱- الف) مزایای تلقی جهانی شدن به مثابه گفتمان واحد ۹۵
- ۲- الف) نابسندگی تلقی جهانی شدن به مثابه گفتمان واحد ۹۸
- ب) جهانی شدن به مثابه عرصه نزاع گفتمان‌ها ۹۹
- ج) غلبه لیبرال دموکراسی و نقطه همسویی ۱۰۶
- و اشتراک دو تلقی ۱۰۶
- د) ویژگی‌های جهانی شدن به مثابه عرصه نزاع گفتمانی ۱۰۸
- ۱- د) نزاع گفتمانی در عرصه ملی ۱۰۸
- ۲- د) نزاع گفتمانی در عرصه جهانی ۱۰۹
۴. اسلام سیاسی، جهانی شدن و مسئله هویت: الگوی تحلیل ۱۱۳
- ۴-۱. چستی هویت ۱۱۳

۴-۲. هویت سیاسی و مسئله شهروندی.....	۱۱۶
۴-۳. هویت سیاسی و گونه شناسی شهروندی.....	۱۲۵
۴-۴. چالش‌های هویت سیاسی و شیوه تحلیل	
پاسخ اسلام‌گرایان.....	۱۳۱
نتیجه‌گیری فصل اول.....	۱۳۹
فصل دوم: گفتمان‌های اسلام سیاسی در ایران.....	۱۴۳
مقدمه.....	۱۴۳
۱. امام خمینی و اسلام سیاسی در ایران.....	۱۴۵
۱-۱. وجوه اهمیت امام خمینی در مطالعه اسلام سیاسی در ایران.....	۱۴۵
۲. ریشه‌ها و تبار گفتمان امام خمینی.....	۱۴۹
۱-۳. گونه شناسی جریانات اسلامی معاصر	
و جایگاه گفتمان امام خمینی.....	۱۵۵
الف) گونه شناسی اسلام‌گرایی معاصر.....	۱۵۶
ب) جایگاه امام خمینی در اسلام‌گرایی معاصر.....	۱۵۸
۲. اصول و مؤلفه‌های گفتمان امام خمینی.....	۱۵۸
۲-۱. گفتمان امام خمینی و فرایند غیریت‌سازی.....	۱۵۹
۲-۲. امام خمینی و آرمان سیاسی جدید.....	۱۶۴
۲-۳. علل تفوق گفتمان اسلام سیاسی در ایران.....	۱۶۷
۲-۴. گفتمان امام خمینی و مدرنیسم غربی.....	۱۷۶
۲-۵. مفصل‌بندی گفتمان امام خمینی.....	۱۸۵
۳. تحولات گفتمانی اسلام سیاسی در ایران پس از امام خمینی.....	۲۰۵

- ۳-۱. معیارهای طبقه بندی جریان های فکری ۲۰۷
- سیاسی عصر جمهوری اسلامی ۲۰۷
- الف) معیار طبقه بندی جناحی ۲۰۷
- ب) طبقه بندی براساس معیار چپ و راست ۲۰۸
- ج) طبقه بندی مبتنی بر جامعه شناسی جنبش های اجتماعی ۲۱۱
- د) معیار طبقه بندی گفتمانی ۲۱۳
- ۳-۲. طبقه بندی گفتمان های سیاسی در عصر جمهوری اسلامی ۲۱۷
- ۳-۳. فرایند ظهور خرده گفتمان های اسلام سیاسی پس از امام خمینی ۲۲۰
- الف) بررسی تاریخی ۲۲۰
- ب) صورت بندی گفتمان های اسلام سیاسی در ایران ۲۲۹
- ج) جریان های تشکیل دهنده گفتمان های اصول گرایی و اصلاح طلبی ۲۳۹
- ج - ۱) جریان های وابسته به گفتمان اصول گرا ۲۴۰
- ج - ۲) جریان های وابسته به گفتمان اصلاحات ۲۴۱
- ۳-۴. نمایندگان فکری گفتمان های اسلام سیاسی در ایران ۲۴۱
- الف) نمایندگان گفتمان اسلام سیاسی اصول گرا ۲۴۲
- ب) نمایندگان گفتمان اسلام سیاسی اصلاح طلب ۲۴۵
۴. مفصل بندی گفتمان های اسلام سیاسی در ایران ۲۵۱
- ۴-۱. گفتمان اسلام سیاسی اصول گرا ۲۵۲
- ۴-۲. گفتمان اسلام سیاسی اصلاح طلب ۲۵۴
- نتیجه گیری فصل دوم ۲۵۵

فصل سوم: جهانی شدن و هویت سیاسی:

۲۵۷	رویارویی اسلام سیاسی و لیبرالیسم
۲۵۷	مقدمه
۲۵۹	۱. جهانی شدن و هویت سیاسی مبتنی بر لیبرال دموکراسی
۲۵۹	۱-۱. لیبرالیسم و هویت مدرن
۲۶۵	الف) شهروندی در نظریه کارل مارکس
۲۶۷	ب) شهروندی در نظریه ماکس وبر
۲۶۷	ج) شهروندی در نظریه عضویت اجتماعی شهری دورکیم
۲۶۸	د) شهروندی در نظریه «عضویت اجتماعی گزلفاشتی» تونس
۲۶۸	ه) شهروندی در نظریه توسعه پارسونز
۲۶۹	۱-۲. هویت سیاسی و شهروندی در لیبرالیسم
۲۷۲	۱-۳. جهانی شدن و تفوق هویت سیاسی لیبرال
۲۸۱	۲. هویت سیاسی در نظریه‌های غیر مدرن
۲۸۱	۲-۱. هویت سیاسی در نظریه‌های پیشامدرن
۲۸۳	الف) شهروندی در یونان باستان و جمهوری روم
۲۸۶	ب) شهروندی شهر آسمانی در سنت مسیحی
۲۸۷	۲-۲. هویت سیاسی در نظریه‌های منتقد مدرنیسم
۲۸۸	الف) هویت سیاسی از دیدگاه سنت‌گرایان
۲۹۳	ب) هویت سیاسی در مکتب جامعه گرایی
۲۹۴	ب-۱) موقعیت‌مندی هویت‌ها
۳۰۲	ب-۲) مفهوم فضیلت و خیر اخلاقی
۳۰۶	ج) هویت سیاسی در پسامدرنیسم

۳. اسلام گرایی و الگوی بدیل هویت سیاسی ۳۱۵
- ۳-۱. مبانی هویت سیاسی و شهروندی در تفکر اسلامی ۳۱۵
- الف) هویت اسلامی در برابر هویت‌های دیگر ۳۱۹
- ۱- الف) امت اسلامی و تداعی‌های سیاسی - اجتماعی آن ۳۱۹
- ۲- الف) برائت و مفهوم دارالاسلام و دارالکفر ۳۲۱
- ۳- الف) نفی سلطه کفار بر مسلمین ۳۲۲
- ب) جایگاه فرد در نظام اسلامی: مسئله شهروندی در اسلام ۳۲۳
- ۱- ب) محوریت نقش رهبری دینی در جامعه اسلامی ۳۲۴
- ۲- ب) بیعت و مبنای وفاداری در جامعه اسلامی ۳۲۵
- ۳- ب) اصل شورا و مشورت در اسلام ۳۲۶
- ۳-۲. حقوق و وظایف شهروندی در دیدگاه امام علی (ع) ۳۲۶
- الف) حقوق مردم بر حکومت ۳۲۷
- ب) حقوق حکومت بر مردم ۳۳۲
- ۳-۳. هویت سیاسی و شهروندی در گفتمان امام خمینی ۳۳۴
۴. جهانی شدن و چالش‌های هویت سیاسی در ایران ۳۴۱
- ۴-۱. جهانی شدن و شهروندی جهانی ۳۴۱
- ۴-۲. جهانی شدن و چالش‌های هویت سیاسی ۳۴۵
- ۴-۳. جهانی شدن و تحولات گفتمان اسلام سیاسی در ایران ۳۴۸
- نتیجه‌گیری فصل سوم ۳۵۸

فصل چهارم: گفتمان‌های اسلام سیاسی در ایران

- و مسئله هویت سیاسی ۳۶۱

مقدمه.....	۳۶۱
۱. مروری بر الگوی تحلیل دیدگاه‌های نمایندگان گفتمان‌ها.....	۳۶۳
۲. تلقی گفتمان‌های اسلام سیاسی از «خود»: دیدگاه‌های بنیادین.....	۳۶۶
۲-۱. انقلاب اسلامی و دنیای جدید.....	۳۶۶
الف) وضعیت پیش از انقلاب اسلامی.....	۳۶۶
ب) ماهیت و ویژگی‌های انقلاب اسلامی.....	۳۶۸
ج) وجوه رویارویی انقلاب اسلامی با دنیای جدید.....	۳۶۹
۲-۲. میراث سیاسی امام خمینی.....	۳۷۲
الف) امام خمینی از دیدگاه گفتمان اصولگرا.....	۳۷۳
ب) امام خمینی از دیدگاه گفتمان اصلاح‌طلب.....	۳۷۶
ج) بررسی تطبیقی دو دیدگاه.....	۳۸۱
۲-۳. الگوی نظام سیاسی مطلوب: ولایت فقیه و مردم.....	۳۸۱
الف) مشروعیت نظام اسلامی: انتخاب و انتصاب ولی فقیه.....	۳۸۲
ب) ولایت فقیه و قانون اساسی.....	۳۹۳
۳. جهانی شدن و واکنش‌های گفتمان‌های اسلام سیاسی ایران.....	۳۹۷
۳-۱. جهانی شدن از منظر گفتمان‌های اسلام سیاسی.....	۳۹۷
الف) تلقی‌های گفتمان‌های اسلام سیاسی ایران از جهانی شدن.....	۳۹۷
ب) جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام.....	۴۰۴
ج) چالش‌های جهانی شدن بر هویت و فرهنگ دینی.....	۴۰۶
۳-۲. هویت‌سازی سیاسی در رویارویی با جهانی شدن لیبرالیسم.....	۴۰۹
الف) رابطه تمدن‌ها: گفتگو و اقتباس تمدن‌ها از یکدیگر.....	۴۱۰
ب) تلقی از تمدن غرب.....	۴۱۳

- ج) تمدن اسلامی و چگونگی رویارویی با غرب..... ۴۱۹
۴. جهانی شدن و الگوی هویت سیاسی و شهروندی
- در گفتمان‌های اسلام سیاسی..... ۴۲۸
- ۴-۱. جهانی شدن و فرایند هویت سازی سیاسی
- میان گفتمانی در ایران..... ۴۲۸
- الف) تحولات گفتمانی اسلام سیاسی و تلقی گفتمان‌ها از یکدیگر..... ۴۲۹
- ب) جهانی شدن و تحولات تمایز و غیریت سازی
- میان گفتمانی در ایران..... ۴۳۵
- ج) جهانی شدن لیبرالیسم و تحولات منطق هم ارزی در ایران..... ۴۴۷
- ۴-۲. هویت سیاسی و شهروندی در گفتمان‌های اسلام سیاسی ایران..... ۴۵۰
- الف) نقش و جایگاه احزاب و نهادهای جامعه مدنی در نظام اسلامی..... ۴۵۱
- ۱ - الف) تعریف و تلقی گفتمان‌های اسلام سیاسی از جامعه مدنی..... ۴۵۱
- ۲ - الف) الگوی مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی..... ۴۵۷
- ب) الگوهای شهروندی در گفتمان‌های اسلام سیاسی ایران..... ۴۶۳
- ۱ - ب) بستر شهروندی..... ۴۶۴
- ۲ - ب) مبنای شهروندی..... ۴۶۶
- ۳ - ب) محتوای شهروندی..... ۴۶۷
- ۴ - ب) عمق شهروندی..... ۴۷۵
- ۵ - ب) نوع شهروندی..... ۴۷۷
- ۶ - ب) گستره شهروندی..... ۴۷۸
- ۷ - ب) غایت شهروندی..... ۴۸۲

ج) هویت سیاسی و مقایسه الگوی شهروندی

۴۸۴ در گفتمان‌های اسلام سیاسی در ایران

۴۸۹ نتیجه‌گیری فصل چهارم

۴۹۱ نتیجه‌گیری

۴۹۱ مروری بر مسئله پژوهش

۴۹۶ مروری بر استدلال‌های مطرح شده

۵۰۱ آنچه باقی می‌ماند

۵۰۳ کتابنامه

۵۰۳ الف) منابع فارسی و عربی

۵۱۷ ب) پایان نامه‌ها

۵۱۸ ج) منابع لاتین

۵۲۱ نمایه

پیشگفتار

اسلام تنها دین جامعی است که به تمام ابعاد سیاسی حیات انسانی توجه دارد و برای آن‌ها مقررات و احکام گسترده‌ای را تدارک دیده است و در قالب نظام فکری سیاسی با ساختارها، تشکیلات و نهادهای نظاممند طرح جامعی برای اداره و رهبری سیاسی همه جوامع بشری دارد، اما این ایده همانند سایر ایده‌های دینی و بشری در طول زمان دچار آسیب‌ها و آفت‌های زیادی شده است تا آن‌جا که گاهی در کزراه‌های کج‌اندیشی و تحجر گرفتار شده و گاهی در دام خودپرستی قدرت‌طلبان زورمدار افتاده و به حاشیه رانده شده است و در دوران معاصر علاوه بر لطمه‌های تحجر و استبداد گرفتار پدیده نوینی به‌نام استعمار مدرن شد. در مواجهه جدید رقیب خارجی در هیأت مدرنیته ظاهر شد و مظاهر تمدن پیشرفته را به رخ کشید. دستگاه اندیشه دینی به دلیل عدم آمادگی برای پاسخ‌گویی علاوه بر جراحات التیام‌نیافته گذشته، دچار شکاف جدیدی گردید و دو نحله فکری از ادامه مسیر بازماندند یک نحله در دام نوعی سلفی‌گری و بنیادگرایی افراطی غلطیید و نحله دیگری جذب مظاهر تمدن غربی شد و نوعی تفکر سکولار را پذیرا گردید و آنچه باقی ماند اندیشه ناب اسلامی بود که با اعتقاد به بنیادهای معرفتی خویش بر این بارور است که «اسلام ناب» می‌تواند در مقابل همه مظاهر مدرن، هویت دینی خود را حفظ کند و با اندیشه‌ای نو، نظرات سیاسی خود را در دنیای جدید مطرح

نماید «اسلام سیاسی» از عناوینی است که از سوی مستشرقان به این نحله فکری داده شده است و فارغ از ارزیابی رویکرد مثبت یا منفی آن‌ها و همچنین رد یا قبول این عنوان - این اثر خود را موظف می‌داند که ویژگی‌های این نوع اسلام را بیان کند.

تمرکز تحقیق حاضر بر تأمل در گفتمان اسلام سیاسی در ایران پس از رحلت امام خمینی است که دو خرده گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی تقسیم شده است.

محقق محترم تلاش دارد با بررسی دیدگاه‌های نمایندگان فکری دو جریان واکنش‌های آن‌ها را به پدیده جهانی شدن و تأثیرات آن نیز مدنظر قرار دهد.

با تشکر فراوان از محقق گرانمایه جناب حجت‌الاسلام دکتر غلامرضا بهروزلک امید داریم این فعالیت علمی موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی - دینی و بسط و گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم آورد.

طبیعی است این تحقیق با پیشنهادات و انتقادهای صاحب‌نظران تلطیف و اصلاح خواهد شد.

گروه سیاست

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مقدمه

بیان موضوع

اسلام سیاسی گفتمانی است که براساس تمسک به اصول بنیادین اسلامی در شرایط مواجهه جهان اسلام با مدرنیته، به‌ویژه پروژه دولت - ملت سازی مدرن، در چند دهه اخیر در جهان اسلام فعال شده است. در این گفتمان از تعبیر اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه استفاده شده، و بازگشت به اسلام تنها راه حل بحران‌های جامعه معاصر تلقی می‌شود؛ هدف این گفتمان بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی است.

اسلام سیاسی و اسلام گرایی، واژگانی متعارف‌اند و برخلاف واژگان دیگری چون نوگرایی اسلامی، بنیادگرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی، تمامی جریان‌ات سیاسی اسلامی را در جهان اسلام در بر می‌گیرند. در نگرشی کلان، گفتمان اسلام سیاسی در بسیاری از مناطق جهان اسلام نفوذ کرده است. چنین نفوذی ثمره تلاش مصلحان و احیاگران اسلامی در طول دو سده گذشته می‌باشد؛ با این حال، اسلام سیاسی در جهان اسلام براساس منطق گفتمانی وجوه همسانی و تمایز، به‌رغم تعلق به گفتمانی واحد در برابر مدرنیسم غربی، همانند تنوع درونی دیگر گفتمان‌ها، در درون خود با تمایزات و تنوعاتی مواجه است و می‌توان از جریان‌ات مختلف اسلام سیاسی سخن گفت. یکی از جریان‌ات فعال و تأثیرگذار اسلام سیاسی، گفتمان کلان اسلام سیاسی در ایران

است.

گفتمان اسلام سیاسی در ایران هرچند در مبارزات مصلحان و اندیشمندان مسلمان ایرانی در طول بیش از یک قرن گذشته ریشه دارد، اما تنها با رهبری امام خمینی در طول چند دهه گذشته - از ۱۳۴۰ تاکنون - و در پی بی‌قراری‌ها و ناکارآمدی‌های گفتمان مسلط باستان‌گرای شبه‌مدرن پهلویسم و در رقابت با دیگر گفتمان‌های فعال و حاضر در فضای سیاسی ایران در چند دهه گذشته، مانند مارکسیسم و لیبرالیسم، به صورت گفتمانی منسجم و فراگیر در عرصه سیاسی ایران به طور فعال ظهور کرد. این گفتمان با حفظ عناصر اساسی تفکر اسلامی، ایده‌ها و نشانه‌هایی را از دنیای مدرن جذب کرد و آنها را مجدداً در مفصل‌بندی گفتمانی خود باز تعریف نمود. گفتمان اسلام سیاسی توانسته است خود را به عنوان جایگزین مناسبی برای گفتمان بحران زده پهلویسم در ایران مطرح نماید و در نهایت در فرایند دو دهه مبارزه سیاسی، طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی را مجذوب خود ساخته، و با بی‌قرار و بحرانی کردن گفتمان پهلویسم در سال ۱۳۵۷، مورد پذیرش اکثریت مردم ایران واقع شود و با انقلاب اسلامی قدرت سیاسی را در ایران در اختیار گیرد.

یکی از عرصه‌های تقابل اسلام سیاسی با گفتمان بومی شده مدرنیسم غربی در ایران، یا همان گفتمان پهلویسم، مقابله‌جویی با نگرش غرب به انسان و هویت سیاسی اوست. مدرنیسم غربی با تفکیک عرصه خصوصی از عرصه سیاسی، دین را به عرصه خصوصی محدود کرد. اسلام سیاسی در برابر چنین نگرشی به انسان، با بازگرداندن دین به عرصه سیاسی، در صدد احیای هویت اسلامی در عرصه سیاسی بوده است. همواره هویت‌ها در فرایند تفکیک و تمایز خود از دیگری شکل می‌گیرند. هویت اسلامی از این منظر در برابر و با نفی هویت انسان مدرن غربی شکل گرفته است؛ بدین سان انقلاب اسلامی در ایران به احیا و شکل‌گیری هویت سیاسی اسلامی انجامید.

از سوی دیگر، در چند دهه اخیر پدیده جدیدی تحت عنوان جهانی شدن

مورد توجه و بحث و بررسی قرار گرفته است. با توجه به ابعاد مختلف این پدیده و تأثیر آن در عرصه‌های مختلف، اسلام سیاسی نیز به نوبه خود با آن مواجه بوده است. با توجه به رابطه غالب جهانی شدن با مدرنیته غربی و فراگیر شدن الگوی لیبرال دموکراسی از یک سو و تأثیر آن در عرصه‌های مختلف سیاسی - فرهنگی، بررسی نسبت آن با اسلام سیاسی در ایران و به‌ویژه در عرصه فرهنگ و هویت، بسیار اهمیت دارد. این امر به لحاظ چالش‌هایی که جهانی شدن در هویت سیاسی ایجاد کرده است، اهمیت مضاعفی می‌یابد.

جهانی شدن، در هر قرائت آن، همچنان‌که در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، در هویت سیاسی نیز بسیار تأثیرگذار بوده است. جهانی شدن در نگاهی اولیه با شکستن و تضعیف نقش مرزهای ملی، مبتنی بر اهمیت زمان و مکان، و در راستای گسترش و تعمیم یک فرهنگ و هویت عام و فراگیر جهانی عمل کرده، و در صدد ادغام و همگون سازی دیگر فرهنگ‌ها و هویت‌ها در فرهنگ و هویت واحد جهانی است و از این منظر، فرصت‌ها و چالش‌هایی در این عرصه برای هویت‌های دیگر ایجاد می‌کند.

جهانی شدن به‌رغم وجود تفاسیر مختلف از آن، چالش‌ها و فرصت‌هایی را در پی داشته است و می‌توان گفت مهم‌ترین چالشی که از جهانی شدن ناشی می‌شود، تلاش غرب برای فراگیر سازی فرهنگ لیبرال دموکراسی در سراسر جهان است که عملاً به دلیل قدرت مسلط خویش و بسا استفاده از تکنولوژی‌های برتر ارتباطی، خود را بر دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تحمیل کرده است. مکاتب فکری در مواجهه با چنین چالش‌هایی، واکنش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی ارائه می‌کنند؛ در ایران نیز اسلام سیاسی از جمله گفتمان‌هایی است که در مواجهه با این چالش، واکنش‌ها و پاسخ‌های خاص خود را دارد.

جهانی شدن از منظرهای فکری مختلفی مانند تلقی جهانی شدن به مثابه باز تولید و پیامد مدرنیسم، غربی شدن و آمریکایی شدن یا پسامدرنیسم و

تکثرگرایی ناشی از آن، در عرصه جهانی و یا نظریه‌های دینی که نوید بخش زمینه‌های منجی گرایی هستند، تفسیر شده است. نگرش رساله حاضر به جهانی شدن - چنانکه در فصل نخست نیز به تفصیل بررسی شده است - با بهره گیری از الگوی تحلیل گفتمانی، تلقی جهانی شدن به مثابه گسترش عرصه نزاع گفتمانی از فضا‌های سیاسی - اجتماعی ملی یا فروملی، به فضای فراملی یا جهانی است. جهانی شدن از این منظر، به مثابه ظرف زمانی/ مکانی رویارویی گفتمان‌ها عمل می‌کند و گفتمان مسلط، فرصت بیشتری برای اعمال تفوق خویش بر گفتمان‌های دیگر می‌یابد. از دیدگاه رساله حاضر، در شرایط کنونی نزاع گفتمان‌ها در عرصه جهانی، گفتمان لیبرال دموکراسی غربی گفتمان مسلط است و گفتمان‌های دیگری چون اسلام گرایی، پستاجددگرایی، سنت گرایی، جامعه گرایی و بسیاری دیگر، پاد گفتمان یا گفتمان‌های مقاومت کننده در برابر سیطره گفتمان لیبرال دموکراسی غربی هستند.

با گذار از نخستین دهه انقلاب اسلامی و پس از ارتحال حضرت امام خمینی در سال ۱۳۶۸، در مقطع زمانی (۱۳۶۸-۱۳۸۰) که با گسترش امواج جهانی شدن در سراسر جهان نیز همراه بوده است، در درون گفتمان کلان اسلام سیاسی در ایران، خرده گفتمان‌های سیاسی مختلفی شکل گرفتند که از بین آنها حداقل دو خرده گفتمان «اصول‌گرا» و «اصلاح‌طلب»، که به اصول گفتمانی امام خمینی وفادار باقی ماندند، بسیار اهمیت دارند. گاه در این مقطع، از راه سوم نیز سخن گفته شده است. این خرده گفتمان‌ها با برداشت‌های مختلفی از اصول و مبانی گفتمان اصلی اسلام سیاسی در عصر جمهوری اسلامی که با آراء و دیدگاه‌های امام خمینی پیوند خورده است، دیدگاه‌های مختلفی را ارائه کرده، و از یکدیگر تمایز یافته‌اند. این خرده گفتمان‌ها عملاً فرایند غیریت سازی را در درون گفتمان سیاسی امام خمینی آغاز نموده، و هویت خود را در برابر یکدیگر شکل دادند. نگاه به جایگاه فرد و مسئله هویت سیاسی نیز از جمله موارد اختلافی در میان این خرده گفتمان‌ها است.

هویت سیاسی از دو بعد متفاوت نسبت سنجی رابطه افسراد و گروه‌ها با یکدیگر حکایت می‌کند و از این جهت به تمایز و تشابه آنها بازمی‌گردد. اما بعد دیگر هویت سیاسی با شهروندی پیوند خورده است. از این حیث هویت سیاسی حاکی از جایگاه افراد در نظام سیاسی است. نوشتار حاضر با اشاراتی به بعد نخست هویت سیاسی، با تمرکز بر مقوله شهروندی، به‌طور عمده بعد دوم را مد نظر قرار می‌دهد.

کتاب حاضر می‌کوشد با تحلیل چالش‌هایی که جهانی شدن بر اسلام سیاسی ایرانی ایجاد کرده است، واکنش‌ها و پاسخ‌های گفتمان‌های اسلام سیاسی‌ای را که به گفتمان امام خمینی وفادار بوده‌اند، بررسی کند و نگرش آنها را درباره هویت سیاسی، با توجه به این چالش‌ها تجزیه و تحلیل نماید. برای این منظور، در بررسی دیدگاه گفتمان‌های مذکور، ضمن توجه به دیدگاه‌های صاحب نظران مختلف آنها، به بررسی مهم‌ترین نمایندگان فکری آن گفتمان‌ها، تمرکز خواهد شد. در گفتمان اصلاح‌طلبی، عمدتاً آراء و دیدگاه‌های *حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی* و در گفتمان اصول‌گرایی، آراء و دیدگاه‌های *آیت الله محمد تقی مصباح یزدی* بررسی می‌شود.

پیشینه تحقیق

به‌رغم وجود تحقیقات مختلف درباره رابطه «دین و جهانی شدن» به‌طور عام و «اسلام و جهانی شدن» به‌طور خاص، تاکنون هیچ اثر مستقلی به زبان فارسی در ارتباط با تحقیق حاضر و یا حتی با عنوان کلان «اسلام سیاسی و جهانی شدن» نمی‌بینیم. در آثار موجود صرفاً درباره ارتباط کلی دین با جهانی شدن، یا حد اکثر درباره ارتباط بنیادگرایی دینی در کل و گاه بنیادگرایی اسلامی به صورت مباحث محدود و اجمالی بحث می‌شود. از جمله نکات قابل توجه در این آثار، تمرکز عمده آنها بر مباحث جامعه‌شناختی است، و از

این حیث مباحث اندیشه‌ای و نظری کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. درواقع کمتر می‌توان اثری را یافت که بحث جهانی شدن را فراتر از مباحث جامعه‌شناسانه، و در ابعاد نظری آن دنبال کند. این امر در موضوع خاص این پژوهش که «اسلام سیاسی شیعی در ایران» می‌باشد، نادرتر است.

در زبان عربی آثار مختلفی با عنوان «الدین و العولمه» یا «الاسلام و العولمه» وجود دارد، اما در این آثار عمدتاً به رابطه کلان اسلام و جهانی شدن تمرکز شده است. در میان معدود آثاری که به تحولات درونی و گفتمانی در اسلام سیاسی پرداخته‌اند، می‌توان به دیدگاه *عبد الوهاب مسیری* اشاره کرد. او با اشاره به ویژگی‌های اسلام سیاسی پیش از دهه شصت میلادی، و ویژگی‌های اسلام سیاسی پس از آن، بیش‌تر به تحول اساسی به وجود آمده می‌پردازد. از نظر مسیری، چنین تحولی بر حول محور دولت ملت سازی مدرن استوار بوده است که ویژگی اسلام سیاسی پیش از دهه شصت می‌باشد. از نظر او اسلام سیاسی پس از دهه شصت با مسایل متفاوتی مواجه است. غیر از معدود نگارش‌هایی در باره تحولات اسلام سیاسی، در متون دیگر به‌طور مستقل درباره مسئله اسلام سیاسی و جهانی شدن، و به‌ویژه از منظر تحقیق حاضر که به اسلام سیاسی در ایران اختصاص دارد، بحث نشده است. همچنین می‌توان به منابع موجود در اینترنت به زبان انگلیسی اشاره کرد که در آن مقالات و بحث‌های زیادی در باره اسلام سیاسی و جهانی شدن وجود دارد که برخی از این منابع در فهرست منابع ذکر شده‌اند. هیچ‌کدام از منابع فوق درباره دیدگاه‌های گفتمان‌های اسلام سیاسی در ایران به چالش‌های جهانی شدن بر هویت سیاسی بحث مستقلی ارائه نکرده‌اند و از این حیث تحقیق حاضر فاقد پیشینه است.

البته در باره چگونگی تحلیل اسلام گرایی معاصر و جنبش‌های اسلامی معاصر، رهیافت‌های مختلفی مطرح شده است که گزارش اجمالی آن در فصل نخست اثر ارائه خواهد شد. در این اثر سعی می‌شود بحث اسلام گرایی از

منظر تحلیل گفتمانی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. البته از منظر تحلیل گفتمانی نیز پژوهش‌هایی در باب اندیشه سیاسی اسلام صورت گرفته، که بررسی خواهد شد؛ مطالعات گفتمانی اسلام گرایی معاصر نیز به طور اختصاصی به موضوع اثر حاضر، یعنی «بحث جهانی شدن و مسئله هویت سیاسی»، نپرداخته‌اند و تحقیق از این منظر نیز پیشینه‌ای ندارد.

البته تک نگاری‌هایی در باب تحلیل گفتمانی برخی از جریانات و خرده گفتمان‌های اسلام سیاسی در ایران به‌ویژه پس از خرداد ۱۳۷۶ صورت گرفته است که کارهای محمد جواد غلامرضا کاشی (۱۳۷۹) در تحلیل گفتمانی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، کار علی اصغر حسدار (۱۳۷۸) در تحلیل کلان گفتمان فرهنگی، سیاسی خاتمی، و در نهایت کار محمد رضا تاجیک (۱۳۷۹) در تحلیل گفتمانی جامعه امن خاتمی از این قبیل هستند، اما هیچ کدام از آنها به‌طور اختصاصی مسئله هویت سیاسی را بررسی نکرده‌اند.

سؤالات پژوهش

مسئله مورد نظر پژوهش حاضر این است که گفتمان‌های عمده اسلام سیاسی در ایران در مقطع زمانی ۱۳۶۸ به بعد، در مواجهه با چالش‌های جهانی شدن و تفوق فرهنگ لیبرال دموکراسی در فرایند آن، از منظر نظری چه واکنشی از خود نشان می‌دهند. چنین واکنشی عمدتاً در زمینه نظری و اندیشگی مد نظر است و بیش‌تر به تغییرات و موضع‌گیری‌های فکری و اندیشگی گفتمان‌های اسلام سیاسی مربوط می‌شود. از این جهت باید به موضع‌گیری‌هایی که در گفتمان‌های اسلام سیاسی ایران در قبال آن صورت گرفته است، تمرکز کرد.

در راستای مسئله اصلی تحقیق، برخی پرسش‌های فرعی دیگر نیز در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهند گرفت: ۱. اسلام سیاسی چیست و چگونه می‌توان آن را تحلیل نمود؟ ۲. جهانی شدن چیست و چگونه می‌توان آن را

تحلیل کرد؟ ۳. هویت سیاسی چیست و چه نسبتی با شهروندی دارد؟ ۴. شکل گیری، ظهور و تفوق اسلام سیاسی در ایران و تحولات آن چگونه بوده است؟ ۵. جهانی شدن چه چالش‌هایی را بر هویت سیاسی ایجاد کرده است؟ ۶. واکنش گفتمان اسلام سیاسی اصلاح طلب به چالش‌های جهانی شدن بر هویت سیاسی کدام است؟ ۷. واکنش گفتمان اسلام سیاسی اصول گرا به چالش‌های جهانی شدن بر هویت سیاسی کدام است؟

فرضیه و پاسخ اولیه، نوشتار حاضر آن است که واکنش گفتمان‌های اسلام سیاسی به چالش جهانی شدن بر هویت سیاسی، در موضع گیری‌های متفاوت آنها در قبال نشانگان و ایده‌های گفتمان مسلط لیبرالیسم در عرصه جهانی شدن نمود یافته است. این امر به تلقی‌ها و مواضع متفاوت آنها نسبت به لیبرالیسم غربی معطوف است. در این زمینه می‌توان دو موضع گیری اصلی را شناسایی کرد؛ موضع گیری نخست موضع گیری منعطف و جذب برخی از ایده‌ها و نشانگان گفتمان مسلط در درون گفتمان خودی است. موضع دوم به تشدید غیریت سازی و نفی نشانه‌ها و ایده‌های گفتمان مسلط لیبرالیسم باز می‌گردد. از این حیث در این مقطع تاریخی، گفتمان‌های «اصلاح طلبی» و «اصول گرایی» به مثابه دو گفتمان عمده اسلام سیاسی، در برابر لیبرالیسم موضع گرفته‌اند. گفتمان «اصلاح طلبی» با نگاه مثبت به برخی از دست‌آورد‌های لیبرالیسم سعی کرد تا نشانگان آن را در گفتمان خویش وارد کند و از این جهت با بهره گیری از این نشانگان، الگویی از هویت سیاسی شهروند فرد محور/ دموکراتیک و موثر در مشروعیت نظام سیاسی را ارائه نماید. اما در مقابل گفتمان «اصول گرایی» کوشید تا با تمسک به آموزه‌های کلاسیک اسلامی و نفی ایده‌ها و نشانگان لیبرال و محوریت بخشیدن به نقش رهبری و ولی فقیه در مشروعیت نظام سیاسی، الگوی شهروند ولایی/ ولایت پذیر را برای نظام سیاسی خود مطرح کند. این الگو به محوریت ولی فقیه در مشروعیت نظام سیاسی در عرصه تقنین، اجرا و قضاوت مبتنی است. با این حال چنین گفتمانی

در چارچوب خاص خود بر آن است تا نقش متعهدانه‌ای را برای شهروندان نظام اسلامی ارائه دهد.

مفاهیم پژوهش

برخی مفاهیم مهمی که در این تحقیق به کار رفته است عبارتند از:

۱. **گفتمان:** این مفهوم در معانی مختلفی به کار می‌رود. منظور از گفتمان در این اثر، کلیتی ساختارمند است که از عمل مفصل‌بندی نشانه‌ها حاصل می‌شود (Laclau & Mouffe, ۲۰۰۱: ۱۰۵). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معنایی‌اند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم از واقعیت و جهان اجتماعی را شکل می‌دهند. در این اثر اسلام سیاسی به مثابه گفتمانی است که فهمی خاص از جهان و نظم اجتماعی برآمده از این فهم را ارائه می‌کند.

۲. **اسلام سیاسی:** این واژه برای توصیف جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. مفاهیم دیگری چون بنیادگرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی نیز در توصیف برخی از جریان‌های سیاسی اسلامی به کار رفته، اما هیچ یک نمی‌توانند همانند مفهوم اسلام سیاسی به صورت فراگیر گروه‌های سیاسی اسلامی را در برگیرند. اسلام‌گرایی نیز مفهومی مشابه با اسلام سیاسی دارد و در این اثر آنها را به یک معنا به کار خواهیم برد. البته به نظر می‌رسد اسلام‌گرایی نسبت به واژه اسلام سیاسی مفهومی خنثی و غیرجانبدارانه است، زیرا در تعبیر اسلام سیاسی نوعی ذهنیت سکولار نسبت به دین نهفته است که دین را به سیاسی و غیر سیاسی تقسیم می‌کند. اما در کل در بین واژگانی که در مورد جریانات اخیر اسلامی به کار رفته‌اند، دو واژه اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی واژگانی مناسب هستند. در یک تعریف کلان، می‌توان اسلام‌گرایی را گفتمانی دانست که اسلام را در کانون هویت و عمل سیاسی قرار می‌دهد.

۳. **جهانی شدن:** جهانی شدن از منظرهای مختلفی بررسی و تعریف شده است. از دیدگاه نوشتار حاضر و از منظری گفتمانی، جهانی شدن عبارتست از «گسترش عرصه تعامل و نزاع گفتمان‌ها بر اثر رشد تکنولوژیهای ارتباطی به عرصه جهانی و کم رنگ شدن نقش فاصله مکانی/ زمانی». از این جهت هرچند محمل اصلی جهانی شدن، رشد و گسترش تکنولوژیهای ارتباطی است، اما در عرصه سیاسی اجتماعی، در نزدیک ساختن گفتمان‌ها به یکدیگر و از منظری دیگر در گسترش عرصه تعامل و نزاع گفتمان‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. بحث از چگونگی تحلیل گفتمانی جهانی شدن در فصل نخست به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. **هویت سیاسی:** هویت‌ها بیانگر کیستی انسانها هستند و دو وجه تمایز و همسانی در بردارند. هویت سیاسی در بردارنده دو بعد متفاوت است: شهروندی و چگونگی ارتباط و جایگاه افراد در یک نظام سیاسی و فرایند شکل گیری هویت سیاسی افراد، گروهها و جماعات در ارتباط با دیگر رقیبان. در این اثر بیش تر بر بعد نخست هویت سیاسی که با شهروندی نیز پیوند وثیقی دارد، یعنی بر جایگاه فرد در نظام سیاسی، تأکید می‌شود.

دامنه و قلمرو تحقیق

موضوع اصلی این تحقیق، گفتمان‌های اسلام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران هستند که بر اصول گفتمانی /امام خمینی وفادار باقی مانده‌اند. البته از منظری دیگر در این دوران می‌توان گفتمان‌هایی را شناسایی کرد که از اصول گفتمانی /امام خمینی فاصله گرفته‌اند. این امر از طریق تجدید نظر بنیادی آن گفتمان‌ها در برخی از اصول تفکر /امام خمینی یا نفی آنها است. طبعاً هنوز می‌توان برخی از این جریانات سیاسی - فکری را اسلام سیاسی نامید. اما اگر شاخصه اصلی گفتمان /امام خمینی را پذیرش حکومت اسلامی ولایی بدانیم، این جریانات با نقد حکومت ولایی، الگوهای دیگری را ارائه کرده‌اند. در میان

گفتمان‌های وفادار به اصول گفتمانی *امام خمینی*، تنها بر دو گفتمان اصلی «اصول‌گرا» و «اصلاح‌طلب» که پس از ارتحال *امام خمینی* نقش آفرین بوده‌اند، تمرکز شده است.

گزینش مقطع تاریخی ۱۳۶۸-۱۳۸۴ بدان جهت است که با ارتحال *امام خمینی* از یک سو و نیز با گسترش زمینه‌های نفوذ فکری و فرهنگ غربی در فضای جمهوری اسلامی ایران و در راستای جهانی شدن فرهنگ غربی، بیش‌تر تحولات اسلام سیاسی در ایران، متعلق به این دوران است. البته سیر تحولات تا کنون نیز ادامه یافته است و ما در این تحقیق برخی از این تحولات را دنبال کرده‌ایم. اما به دلیل محدودیت‌های دسترسی به مباحث روز و رعایت فاصله زمان انجام تحقیق با موضوع مطالعه، عمدتاً به این دوران پرداخته‌ایم.

چارچوب نظری و الگوی تحلیل

این اثر مسئله خود را براساس تحلیل گفتمانی بررسی خواهد کرد. تحلیل گفتمانی در سال‌های اخیر کاربرد وسیعی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی یافته است. رشد این نظریه عمدتاً محصول نارضایتی از پوزیتیویسم، به‌خصوص در رشته‌هایی چون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز چرخش زبانی در علوم اجتماعی در دهه ۱۹۷۰ است (Howarth, ۲۰۰۰: ۳). همچنین رواج روش‌ها و نظریاتی چون هرمنیوتیک، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی، بر گسترش نظریه گفتمان تأثیر داشته‌اند. تحلیل گفتمانی، طیف وسیعی از نظریات را شامل می‌شود. اما در این اثر، از میان نظریه‌های گفتمان، از الگوی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه استفاده خواهیم کرد. این نظریه را *رستولاکلا* و *شانتال موفه* ابتدا در کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی» در سال ۱۹۸۵ ارائه کردند. خصلت عام و بین رشته‌ای روش تحلیل گفتمانی در نظریه لاکلا و موفه تمایز معروف هنجاری/اثباتی در علوم اجتماعی را بی‌معنا می‌کند و آن را فراتر از متدلوژی‌های مشهور علم سیاست همچون انتخاب عقلانی، تحلیل

نهادی، رفتارگرایی، کارکردگرا - ساختاری و مارکسیسم و دیگر رهیافت‌هایی که مبتنی بر مفروضات اثبات‌گرایانه هستند، قرار می‌دهد. هم چنین تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه با تعلق به چرخش پسا مدرن در دانش سیاسی امروز، مرزبندی کلاسیک بین جامعه‌شناسی و اندیشه سیاسی را در هم شکسته، و اندیشه‌ها و افکار را در عرصه اجتماعی بررسی می‌کند.

تحلیل‌های گفتمانی به دلیل تأکید بر نسیت‌گرایی و نفی هر گونه مبنای ثابت برای معرفت بشری، رادیکال بوده. و از این حیث در معرض نقدهای اندیشمندان مبنی‌گرا قرار گرفته‌اند. مبنی‌گرایی رویکردی در معرفت‌شناسی است که بر وجود بنیادهای معرفتی فراگیر و جهان شمول که تمامی انسان‌ها بدان‌ها دسترسی دارند، تأکید می‌کند. اسلام‌گرایی به عنوان یک تفکر مبنی‌گرا با تفکر گفتمانی ناسازگار است. از این رو لازم است تا در فرصت مناسب به بررسی و ارزیابی تحلیل‌های گفتمانی به مثابه نظریه و روش اقدام شود. اما در فرصت حاضر اجمالاً سعی می‌شود، با تظنن به وجوه سازگار و ناسازگار آن با تفکر اسلام‌گرایی، از آن به عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شود و مباحث نظری و معرفتی مبسوط آن به فرصت دیگر موکول می‌شود.